

Identifying and explaining organizational changes in the right party in Iran: 1988-2018

Sedigheh Sheikhzadeh Joshani ^{1*}
Yahya Kamali ²
Mohammad Mahdi Shoghali Bafghi ³

Received on: 20/03/2020
Accepted on: 27/09/2020

Abstract

The present study has tried to focus on the issue of organizational change in the right wing in Iran; utilizing organizational theory as the theoretical framework, answer this main question of the research with an explanatory approach and documentary method, that, what is the main cause of right-party organizational changes in Iran during the period 1988-2018? According to the main hypothesis of the research, the environmental stimulus of "electoral competition" has been the most important factor of changes in the organization of the right wing. The findings, while confirming the main hypothesis, indicate that most of these changes have occurred in the 1380s, and the outputs of the change include: Organizational tactics with the content of "Coalition of Developers of Islamic Iran", "United Front of Fundamentalists" and "Grand Coalition of Fundamentalists", organizational unit with the content of "Party of Construction Agents of Islamic Iran" and "Front for the Stability of the Islamic Revolution" and organizational identity with the content of "Fundamentalism". The main changes in the period 1988-2018 have been in the organization of the right party. Also, one of the factors causing organizational changes in the right party was the change in the social context of the elites of this faction. This variable with indicators such as age (entry of young forces into the organizational structure), education (seminary or university), political history (revolutionary struggles), social status (belonging to the social group of clerics) and the attitude of right-wing elites to political activity (level of belief in organizational work), as an intra-organizational factor, it has been influential in the occurrence of these changes.

Keywords: organizational theory, organizational change, environmental motivation, electoral competition, right wing.

-
- 1* . Assistant Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman. (Corresponding Author: ssheikhzadeh@uk.ac.ir)
2. Associate Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman. (Email: yahyakamali@uk.ac.ir)
3 . Graduate of Political Sciences, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman. (Email: Mehdi.shoghali@gmail.com)

شناسایی و تبیین تغییرات سازمانی در جناح راست در ایران :

۱۳۹۴-۱۳۶۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶

صدیقه شیخ زاده جوشانی^{۱*}

یحیی کمالی^۲

محمد مهدی شوقعلی بافقی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با تمرکز بر موضوع تغییرات سازمانی در جناح راست در ایران کوشیده است؛ با بهره‌گیری از تئوری سازمانی به عنوان چارچوب نظری مبنا، با رویکردی تبیینی و روش اسنادی به این پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهد که عامل اصلی تغییرات سازمانی جناح راست در ایران طی فاصله زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۴ چیست؟ بر اساس فرضیه اصلی پژوهش، محرک محیطی «رقابت انتخاباتی» مهم‌ترین عامل تغییرات ایجادشده در سازمان جناح راست بوده است. یافته‌ها ضمن تأیید فرضیه اصلی بیانگر این است که عمده این تغییرات در دهه ۱۳۸۰ رخ داده و برون‌دادهای تغییر شامل: تاکتیک سازمانی با محتوای «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی»، «جبهه متحد اصول‌گرایان» و «ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان»، واحد سازمانی با محتوای «حزب کارگزاران سازندگی ایران اسلامی» و «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» و هویت سازمانی با محتوای «اصول‌گرایی»، عمده تغییرات در بازه زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۴ در سازمان جناح راست بوده‌اند. همچنین یکی از عوامل ایجاد تغییرات سازمانی در جناح راست، تغییر در بافت اجتماعی نخبگان این جناح بوده است. این متغیر با شاخص‌هایی چون سن (ورود نیروهای جوان به ساختار سازمانی)، تحصیلات (حوزوی یا دانشگاهی)، سابقه سیاسی (مبارزات انقلابی)، منزلت اجتماعی (تعلق به گروه اجتماعی روحانیون) و نگرش نخبگان جناح راست به فعالیت سیاسی (میزان اعتقاد به کار تشکیلاتی)، به عنوان یک عامل درون- سازمانی در رخداد این تغییرات مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: تئوری سازمانی، تغییرات سازمانی، محرک محیطی، رقابت انتخاباتی، جناح راست.

۱. استادبار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان (صفحه ۳۴۸-۳۱۵)

(نویسنده مسئول: ssheikhzadeh@uk.ac.ir)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان (yahyakamali@uk.ac.ir)

۳. دانش آموخته ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان

(Mehdi.shoghali@gmail.com)

مقدمه

بر اساس یک نگرش سیستمی، تمام سیستم‌های اجتماعی از جمله سازمان‌های سیاسی با میزان سازمان یافتگی قوی مانند احزاب و نیز گرایش‌ها یا گروه‌های کمتر سازمان یافته^۱ که در چارچوب مفهومی پژوهش حاضر از آن‌ها به عنوان جناح‌های سیاسی^۲ نام برده می‌شود؛ به صورت طبیعی و طی زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. از این رو این سازمان‌ها، سیستم‌هایی باز^۳ فرض می‌شوند که به طور مداوم از محیط خود اطلاعات دریافت می‌کنند و چون محیط پیوسته ثابت نیست و دچار تغییراتی می‌شود؛ به تبع آن سازمان‌ها نیز تغییر می‌کنند. بنابراین تغییر در سیستم‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد؛ زیرا محیط خواهان تغییر برای بقاء آن‌هاست. در نتیجه تغییرات در ذات و نیاز سیستم‌های اجتماعی از جمله جناح‌های سیاسی به مثابه سیستم‌های اجتماعی باز است.

در چارچوب مفهومی - نظری پژوهش حاضر، «جناح راست»^۴ یا «محافظه‌کار»^۵ در زمینه محیطی^۶ ایران به مثابه یک سازمان سیاسی با سیستمی باز فرض شده است که از زمان شناسایی رسمی و علنی‌اش در صحنه سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، تغییراتی را در سازمان خود تجربه کرده است. از جمله این تغییرات می‌توان به انشعابات این جناح در سال ۱۳۷۴ و ظهور «جناح راست مدرن» و همچنین ظهور «جریان سیاسی اصول‌گرا» در اواخر دهه ۱۳۸۰ اشاره کرد. اگر چه به اعتقاد برخی پژوهشگران جناحی میزان تغییرات در جناح راست نسبت به جناح رقیب آن، یعنی «جناح چپ»^۷ چندان محسوس نبوده است (رک به: هرسیج و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۱۰)؛ اما این تغییرات در حدی بوده که به عنوان یک مسئله در بخشی (هر چند بسیار اندک) از ادبیات جناحی در ایران پساانقلاب انعکاس یافته است.

از معدود آثار حوزه ادبیات جناحی که به طور مشخص تمرکز خود را بر موضوع «تغییر»^۸ در جناح راست قرار داده است؛ اثر آهانگر و دیگران (۱۳۹۳) است که با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موف و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تغییر نظام معنایی در درون جناح راست را که منجر به ظهور

- 1 . Tendencies or loosely organized groups
- 2 . Political Factions
- 3 . Open-Systems
- 4 . The Right Wing
- 5 . The Conservatives
- 6 . Context
- 7 . The Left Wing
- 8 . Change

تشکل‌های سیاسی جدید در این جناح شده، تبیین کرده است. همچنین شعاعی (۱۳۸۹) تلاش کرده با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، تغییرات گفتمانی در دو جناح «اصولگرا» و «اصلاح طلب» را فهم کند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، این تغییرات در پاسخ به فرایندهای اجتماعی در روند انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ صورت گرفته‌اند.

اگرچه بخشی از ادبیات جناحی در ایران پس‌انقلاب که تمرکز خود را بر شناسایی و معرفی جناح‌های سیاسی در ایران قرار داده‌اند؛ به برخی تغییرات در جناح‌ها از جمله جناح راست با متغیر «انشعابات» و شاخص «ظهور تشکل‌های سیاسی جدید» اشاراتی صورت گرفته است. اما دو اثر پیش‌گفته جزء معدود آثاری به شمار می‌آیند که به شکلی نظام‌مند به مسئله تغییر در جناح راست پرداخته‌اند. از این رو پژوهش حاضر با آگاهی از اهمیت مسئله «تغییرات» در جناح راست و وجود خلاء پژوهشی در ادبیات جناح راست در این زمینه، کوشیده است؛ با تمرکز بر مسئله تغییرات سازمانی بر جناح راست در ایران، در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۷ ضمن تبیین چرایی رخداد تغییرات در سازمان جناح راست، برونداد تغییرات ایجاد شده را با تمرکز بر هفت متغیر: «تغییر واحد سازمانی»، «تغییر اهداف»، «تغییر رسالت»، «تغییر استراتژی»، «تغییر تاکتیک»، «تغییر فرهنگی» و «تغییر هویتی» شناسایی و توصیف کند.

الف- مرور پیشینه پژوهش

بررسی‌های اولیه از آثار مرتبط با موضوع مورد پژوهش که در اینجا از آن‌ها با عنوان «ادبیات جناحی ایران در دوره پس‌انقلاب» نام برده می‌شود؛ حکایت از این دارد که این آثار در سه دسته جای می‌گیرند:

دسته نخست به آثاری اشاره دارد که در آن‌ها به طور جداگانه به سه موضوع پرداخته شده است. ۱) آثاری که به «جناح‌گرایی»^۱، به عنوان ویژگی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از بدو شکل‌گیری تا کنون می‌پردازد. اغلب این آثار از اواخر نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ شکل گرفته‌اند؛ زمانی که مرزبندی‌های جناحی با شکل‌گیری دو جناح عمده سیاسی (راست و چپ) در صحنه سیاسی ایران به طور رسمی موجودیت یافت. در این آثار نویسندگان کوشیده‌اند؛ با تمرکز بر شناسایی جناح‌های

.....
1 . Factionalism

مختلف سیاسی از بدو شکل‌گیری نظام سیاسی ج.ا.ا مکانیزم و فرایند شکل‌گیری «جناح‌گرایی» را در درون این نظام سیاسی نشان دهند. از جمله این آثار می‌توان به مقاله مازیار بهروز با عنوان «جناح-گرایی در ایران تحت فرمان [امام] خمینی» (Behrooz, 1991)، اشاره کرد که در آن نویسنده از «جناح-گرایی» به عنوان «جزء سازنده از وجود ج.ا.ا» نام می‌برد. همچنین سعید برزین (Barzin, 1995) با شناسایی و ارائه گونه‌شناسی‌ای از طیف‌بندی جناح‌های سیاسی، سعی کرده است؛ چگونگی شکل-گیری و بسط پدیده جناح‌گرایی در ساختار سیاسی ایران پس‌انقلاب را نشان دهد.

۲) آثاری که به جای «جناح‌گرایی» تأکید خود را بر «سیاست جناحی»^۱ قرار داده‌اند. در این آثار، «سیاست جناحی» به عنوان پیامد و عملکرد ویژگی «جناح‌گرایی» در نظام سیاسی ج.ا.ا توصیف شده است. از این دسته آثار می‌توان به «سیاست جناحی در ایران پسا [امام] خمینی» اثر مهدی مسلم (Moslem, 2002) اشاره کرد. در این اثر، نویسنده کوشیده است؛ با پرداختن به حیات جناح‌های سیاسی و تعاملات بین آن‌ها، به ویژه در دولت‌های هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی تصویری از رقابت جناحی در ایران که وی از آن به عنوان «پایدارترین ویژگی نظام سیاسی پسا [امام] خمینی» اشاره می‌کند؛ ارائه دهد. اثر قابل ذکر دیگر در اینجا، «قدرت، اسلام، نخبه سیاسی در ایران» (Rakel, 2009) است که سعی دارد؛ با شناسایی جناح‌های سیاسی یا به گفته وی «جناح‌های نخبه»^۲ تأثیر توازن قدرت میان آن‌ها را بر برون‌دادهای نظام سیاسی ایران در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاست خارجی تبیین کند. اثر دیگری که می‌توان آن را در این دسته از آثار جای داد؛ مجموعه مقالاتی از پنج پژوهشگر دانشگاهی فعال در حوزه سیاست ایران است که در اثری واحد با عنوان «ایران: یک جمهوری انقلابی در حال تغییر» (2012)، توسط روزبه پارسا گردآوری شده است. در این اثر، نویسندگان به ابعاد گوناگونی از سیاست و جامعه در ایران اخیر (ایران پس‌انقلاب) پرداخته‌اند. یکی از این ابعاد، «سیاست جناحی» است که در مقاله‌ای از فریده فرهی (Farhi, 2012)، مورد بحث قرار گرفته است. فرهی در بحث خود با عنوان «سیاست جناحی و دولت اسلامی» به تحولات جناحی، به ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ در نظام سیاسی ایران پرداخته است.

۳) برخی از آثار مربوط به «جناح‌گرایی» و «سیاست جناحی» بر شناسایی و تبیین پیامدهای این دو پدیده همپوشان بر امور داخلی و خارجی و سیاستگذاری در این حوزه‌ها متمرکز شده است. «جناح-

1 . Factional Politics

2 . Elite Factions

گرایی، نفت و رشد اقتصادی در ایران: نفرین در کجا قرار دارد؟» (Farzanegan and Schneider, 2009)، عنوان مقاله‌ای است که نویسندگان در آن کوشیده‌اند؛ پیامد «مضر» (به گفته آن‌ها) آنچه را که آن‌ها از آن به عنوان «جناح‌گرایی سیاسی فزاینده در یک اقتصاد نفتی» اشاره می‌کنند؛ بر رشد اقتصادی در ایران توضیح دهند.

دسته دوم از ادبیات جناحی شامل آثاری هستند که تمرکز موضوعی خود را بر شناسایی و معرفی جناح‌های سیاسی ظهور یافته در صحنه سیاست ایران پس‌انقلاب قرار داده‌اند؛ این آثار در سه گروه قابل شناسایی هستند:

۱) آثاری که به شناسایی و معرفی جناح‌های سیاسی گوناگون اعم از دو جناح سیاسی عمده چپ و راست، ذیل عناوینی چون «احزاب»، «گروه‌ها»، «جریان‌ها» و «جناح‌های سیاسی» در ایران پرداخته‌اند. کتاب «جناح‌بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶» جزو اولین آثار از این دست است که توسط سعید برزین (۱۳۷۷) نوشته شده است. نویسنده در این اثر، ضمن اشاره به پدیده جناح‌بندی در ایران، کوشیده است؛ تصویری کلی از جناح‌های سیاسی موجود در صحنه سیاسی ایران از دهه ۱۳۶۰ تا اواسط ۱۳۷۰ ارائه دهد. «جناح‌های سیاسی در ایران امروز» (مرتجی، ۱۳۷۷) و «کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران: ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸» (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸) نیز در این دسته آثار جای می‌گیرند. موضوع «جناح‌های سیاسی» در ایران همچنان موضوعی پویا در حوزه ادبیات جناحی است. از جمله متأخرترین این آثار می‌توان به کتاب‌های «اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز» (شادلو، ۱۳۹۲) و «جریان‌شناسی سیاسی در ایران» (دارابی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. در این آثار و نیز آثار پیش‌گفته، نویسندگان کوشیده‌اند؛ ضمن شناسایی جناح‌های سیاسی شکل گرفته در صحنه سیاسی ایران پس‌انقلاب و ارائه گونه‌شناسی‌هایی از آن‌ها به معرفی ساختار سازمانی (گروه‌ها و تشکل‌های وابسته و همسو با آن‌ها) و نیز مواضع آن‌ها درباره مسائل سیاست داخلی (اقتصاد، جامعه و فرهنگ) و خارجی بپردازند.

۲) آثاری که تمرکز خود را فقط بر شناسایی و معرفی یکی از دو جناح «چپ» و یا «راست» (به عنوان دو جناح عمده در صحنه سیاسی ایران) قرار داده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مقالات «شکل‌گیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب» (هرسیج و حسینی، ۱۳۸۸) و «بررسی دیدگاه‌ها و مواضع جناح چپ در دو دهه اول انقلاب اسلامی بر اساس روش تاریخ‌گرایی دیلتای» (هرسیج و توسلی، ۱۳۹۱)، اشاره کرد که در آن‌ها نویسندگان تمرکز خود را بر «جناح چپ» در ایران قرار داده‌اند.

۳) آثاری که تمرکز موضوعی خود را به طور مشخص بر شناسایی و معرفی تشکلهای یا گروه‌های سیاسی وابسته به یکی از دو جناح سیاسی عمده «چپ» و یا «راست» قرار داده‌اند. از این دسته آثار می‌توان به «جعفری (۱۳۸۹) اشاره کرد که تمرکز خود را بر «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران» به عنوان یک تشکل سیاسی وابسته به جناح چپ قرار داده است. همچنین از جمله آثاری که فقط بر تشکلهای یا گروه‌های وابسته به جناح راست متمرکز شده‌اند؛ می‌توان به کتاب «سیاستمداران اهل فیضیه: بررسی، نقد و پیشینه عملکرد جامعه روحانیت مبارز تهران» (دارابی، ۱۳۷۹) اشاره کرد. همان‌گونه که در عنوان فرعی کتاب منعکس شده، نویسنده کوشیده است؛ در این اثر تصویری جامع از «جامعه روحانیت مبارز» به عنوان یکی از مهم‌ترین تشکلهای وابسته به جناح راست ارائه دهد. اثر دیگر درباره جناح راست، به مقاله «ظهور و نفوذ نومحافظه‌کاران در ایران» (Ehteshami, 2008) اختصاص دارد که در آن نویسنده به چگونگی ظهور و دیدگاه‌های گروه سیاسی نومحافظه‌کاران (اصولگرایان) در ایران به عنوان یکی از گروه‌های سیاسی واقع در طیف جناح راست پرداخته است. دسته سوم، آثاری هستند که تمرکز خود را بر فهم و تبیین عملکرد درونی جناح‌ها و یا از منظر نظری پژوهش حاضر، بر تغییرات درون - سازمانی آن‌ها قرار داده‌اند. «تحلیل گفتمان انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری» عنوان اثری است که در قالب پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد (شعاعی، ۱۳۸۹) انجام شده است. در این اثر، پژوهشگر کوشیده است؛ با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، تغییرات گفتمانی در دو جناح «اصولگرا» و «اصلاح‌طلب» را فهم کند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، این تغییرات در پاسخ به فرایندهای اجتماعی در روند انتخابات ۱۳۸۸ (به عنوان یک عامل محیطی مطابق چارچوب نظری پژوهش حاضر) رخ داده‌اند. همچنین در اثر دیگری با عنوان «تحلیل گفتمان انشقاق جریان اصولگرا به خرده گفتمان‌های جبهه پایداری و جبهه متحد اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۰» (آهنگر و دیگران، ۱۳۹۳)، نویسندگان کوشیده‌اند؛ با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موف و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تغییر نظام معنایی در درون جناح راست را که منجر به ظهور تشکلهای سیاسی جدید در این جناح شده است؛ فهم کنند. در حالی که در دو اثر پیش‌گفته، «از تحلیل گفتمان»^۱ به عنوان روشی برای فهم تغییرات در جناح‌های سیاسی استفاده شده است؛ حسن عیوض‌زاده و مهرداد علیپور کوشیده‌اند؛ در مقاله‌ای تحت عنوان «تعیین بازار هدف در پیروزی مبارزات انتخاباتی سازمان‌ها و احزاب سیاسی ایران» (۱۳۹۰)، با استفاده از یک رویکرد بینارشته‌ای -

حوزه بازاریابی- رابطه بین استراتژی انتخاباتی جناح‌های سیاسی و پیروزی آن‌ها را در مبارزات انتخاباتی به عنوان یکی از شاخص‌های عملکرد جناحی نشان دهند. در این اثر نویسندگان بدون نام بردن از جناح سیاسی خاصی دریافته‌اند که انتخاب دو استراتژی «تمایز» و «مرسوم» از سوی احزاب و سازمان‌های سیاسی در ایران در موفقیت آن‌ها در مبارزات انتخاباتی مؤثر بوده است.

آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد؛ تلاش پژوهشگران برای تبیین عملکرد سازمانی جناح راست با تمرکز بر تغییرات سازمانی در درون این تشکیلات سیاسی با استفاده از یک رویکرد نظری بینارشته‌ای (تئوری سازمانی) و آزمون این نظریه به عنوان جایگزینی در برابر غلبه رویکرد «تحلیل گفتمان» در تبیین و توضیح پدیده تغییرات درون جناح‌های سیاسی در ایران اخیر است.

ب- چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل تمرکز بر مسئله تغییرات در «جناح راست» ذیل مسئله پژوهشی «عملکرد جناحی^۱» قرار می‌گیرد. این پژوهش برای تبیین مسئله خود از «تئوری سازمانی^۲» به عنوان چارچوب نظری مبنا بهره گرفته است. پژوهش حاضر مدعی است؛ این تئوری، به واسطه غنای مفهومی و نظری‌اش می‌تواند؛ در فهم و شناخت پدیده «جناح» و «عملکرد جناحی» در زمینه محیطی ایران پسانقلاب و در نتیجه تبیین مسئله «تغییرات در جناح راست» سودمند واقع شود. ضمن آنکه به آشفستگی مفهومی-نظری ناشی از کاربرد این تئوری در زمینه موضوعی و محیطی جناح‌ها در ایران واقف است. لازم است؛ تأکید شود؛ به دلیل عدم وجود یک چارچوب نظری از پیش موجود که بتوان با استفاده از آن تغییرات در جناح‌ها و به ویژه جناح راست را تبیین نمود؛ پژوهش حاضر چاره را در

.....
۱. پژوهش حاضر اصطلاح عملکرد جناحی را از کاربرد این اصطلاح در اثری از کنث یاندا (Janda, 1990)، پژوهشگر مطالعات حزبی آمریکایی، به عاریت گرفته است. در این اثر یاندا برای توضیح تغییرات احزاب سیاسی از اصطلاح عملکرد حزبی (party performance) استفاده کرده است. در اینجا عملکرد حزبی به معنای تغییراتی است که در تاکتیک‌ها، ساختارها، جهت‌گیری‌های موضوعی، هویت سازمانی و اهداف احزاب سیاسی در طول زمان رخ می‌دهد. ما در پژوهش حاضر، عملکرد جناحی را به معنای تغییر و تحولات درون جناح‌ها مد نظر داشته‌ایم.

۲. Organization Theory یا (OT) در فارسی به تئوری سازمان یا سازمانی برگردانده شده است. در پژوهش حاضر از معادل تئوری سازمانی استفاده می‌شود.

به‌کارگیری این تئوری و آزمون آن در رابطه با مسئله مورد پژوهش یافته است. در ادامه این تئوری را به همراه برخی اجزای آن که به تناسب مسئله پژوهش به کار گرفته شده‌اند؛ تشریح می‌شود. مفهوم جناح^۱ در دو زمینه محیطی متفاوت به کار برده شده است. در نظام‌های سیاسی مبتنی بر حزب جناح به «گروه‌های درون-حزبی» (Hoadley, 1986: 13) و یا در تعریفی دیگر، به «یک گروه ساختارمند در درون یک حزب سیاسی که دست کم، در صدد کنترل جایگاه‌های مقتدرانه سیاستگذاری در حزب است» (Persico and Pueblita, 2011: 8)، اطلاق می‌شود. در حالی که در یک نظام بدون حزب، این مفهوم بر «گروه‌بندی‌هایی دلالت دارد که پیرامون یک موضوع یا شخصیت واحد، اما با تداوم زمانی محدود و میزان حداقلی از سازمان یافتگی شکل می‌گیرند» (Hoadley, 1986). (13) «این گروه‌بندی‌ها منعکس‌کننده بلند پروازی فردی‌اند. این گروه‌بندی‌های سیاسی را به ظاهر می‌توان احزاب نامید، اما از پایداری سازمانی و پشتیبانی اجتماعی که جوهر هر حزبی‌اند، بی‌بهره‌اند. این گروه‌بندی‌ها در واقع، جناح‌هایی بیش نیستند» (هانتینگتون، ۱۳۹۲: ۵۹۷).

در زمینه موضوعی پژوهش حاضر، تعریف اخیر از مفهوم جناح مد نظر است. از این رو مفهوم جناح در زمینه سیاسی ایران پس‌انقلاب به معنای «صورت‌بندی‌های سیاسی‌ای که در قالب سازمان‌هایی که در یک سیستم «شبه حزبی»^۲ یا آنچه که به عنوان جناح شناخته می‌شوند؛ عمل می‌کنند. این سازمان‌ها ناهمگون بوده و در بهترین حالت شامل ائتلاف‌های آزاد، شکننده و گذرا از گروه‌ها و افراد با دیدگاه‌های مشابه هستند. آن‌ها فاقد یک ساختار سازمانی منسجم و خط‌مشی رسمی هستند» (Saeid, 2010: 12).. در توصیفی دیگر جناح در زمینه محیطی ایران پس‌انقلاب به معنای «یک نخبه رهبری در درون ساختار قدرت در جمهوری اسلامی تعریف می‌شود که دسته‌بندی آن‌ها به راست و چپ بر اساس مواضع سیاسی و اقتصادی آن‌ها، در زمینه محیطی اسلامی ایران معاصر قابل فهم است» (Buchta, 2000: 12).

در زمینه محیطی غرب، جناح راست به عنوان یک گرایش حزبی «به افراد، گروه‌ها و حزب‌های محافظه کار و هوادار قدرت مطلقه گفته می‌شد که خواستار حفظ امتیازات طبقات ممتاز و مخالف اصلاحات اساسی هستند و به بازار آزاد، مالکیت خصوصی، محافظه کاری فرهنگی و به الزام سیاسی بر مبنای فرمانبرداری اعتقاد دارند» (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۱۳). در زمینه محیطی ایران پس‌انقلاب «آنچه

.....
1 . Faction

2 . Pseudo-Party

چپ و راست در دهه‌های [های] اخیر نامیده می‌شود دو شاخه منشعب از جامعه روحانیت مبارز از دسته گروه‌های اصولگرای اسلامی است و دیگر جریان‌های عمده جمهوری اسلامی حول همین دو جناح بال و پر گرفته‌اند» (هرسیچ و حسینی، ۱۳۸۸: ۱۹). «تا پیش از برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری در تاریخ اول تیر ۱۳۶۰، جناح‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی به جریان‌های «اسلامی» و «ملی» تقسیم می‌شد. پس از برکناری وی جناح‌های جدید «چپ» و «راست» در درون جریان اسلامی شکل گرفت و ظهور یافت» (مرتجی، ۱۳۷۷: ۹).

به لحاظ گرایش جناحی، «جناح راست» یا «محافظه‌کار» و در سال‌های اخیر «اصول‌گرا» در ایران پسانقلاب دارای دیدگاه‌هایی در حوزه‌های گوناگون سیاست داخلی و خارجی است که آن را از جناح رقیبش، یعنی «جناح چپ» جدا می‌سازد. بر اساس یک تعریف، جناح راست، «از تأثیرگذارترین جریان‌های سیاسی پس از انقلاب است که بر اساس مواضع سیاسی، ولایت فقیه را یک مسأله تشخیصی می‌داند و نه انتخابی؛ بدین معنا که مردم در انتخاب آن نقشی ندارند. بر اساس مواضع اقتصادی، طرفدار بخش خصوصی و مخالف دخالت دولت در امور اقتصادی است. بر اساس مواضع فرهنگی، گرایشی ذاتی بر حفظ ارزش‌های معنوی و مسائل ارزشی اسلام دارد و در زمینه سیاست خارجی، ریشه در فرهنگ بیگانه ستیزی دارد و دغدغه‌اش از بیگانه‌به‌سبب نگرانی از تحول در فرهنگ سنتی و دینی است که موجب می‌شود در رابطه با جهان خارج به ویژه غرب، محتاط باشد» (دارابی، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۹).

در پژوهش حاضر، «جناح راست» یک پیوستار شامل گرایش‌ها و دیدگاه‌های به نسبت مشابهی است که از برخی جهات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به طور مثال «بخش عمده گروه‌های موسوم به راست اصولگرا [یکی از گرایش‌های موجود در پیوستار جناح راست] به اقتصاد آزاد تحت نظارت دولت اعتقاد دارد» (شادلو، ۱۳۹۲: ۱۵۱)؛ در حالی که طیفی از این جناح (راست مدرن) به اقتصاد بازار آزاد تحت نظارت حداقلی دولت معتقد است.

«سازمان پدیده‌ای است اجتماعی که به طور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور به نسبت مشخصی بوده که تقریباً به صورت مداوم برای تحقق یک هدف مشترک یا مجموعه‌ای از اهداف فعالیت می‌کند» (رابینز، ۱۳۹۳: ۲۱). همچنین «هر سازمان مرزی دارد که به مدد آن می‌توان اعضای را از غیر اعضاء بازشناخت» (رابینز، ۱۳۹۳: ۲۲). در پژوهش حاضر، جناح راست، با آگاهی بر ویژگی‌های ساختاری ضعیف آن در مقایسه با سازمان‌های حزبی، یک «سازمان» فرض شده است. از

این رو، این جناح به مثابه یک سازمان محل تجمع افراد، گرایش‌ها و گروه‌هایی است که با هم جهت دستیابی به یکسری اهداف سازمانی کار می‌کنند؛ اما از برخی جهات، از جمله دیدگاه‌هایشان درباره میزان دخالت دولت در حوزه‌های فرهنگ و اقتصاد با یکدیگر تفاوت دارند.

ساختار سازمان‌های مدرن امروزی ماحصل آزمون و خطا و اصلاح ساختار آن‌ها طی تاریخ تحولات اجتماعی است. امروزه این سازمان‌ها از وجوه اصلی زندگی مدرن و منظم بشر هستند. حیات این سازمان‌ها رابطه مستقیمی با داشتن استنباط صحیح از شرایط درونی و بیرونی سازمان‌ها و بهره‌مندی از علم روز و آخرین نظریه‌های مدیریت دارد. به صورت خلاصه می‌توان؛ سازمان را نظامی تعریف کرد که «حول محور اهداف مشخص شکل گرفته و خود متشکل از گروه‌های به هم مرتبط و خرده نظام‌های متعددی است. شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و دادگاه‌ها نمونه‌هایی از سازمان هستند» (جلایی پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۴۹۸). شناخت و بهبود عملکرد سازمان‌ها دغدغه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است که منجر به شکل‌گیری مباحثی ذیل عنوان تئوری سازمانی گردید. تئوری سازمانی علاوه بر کمک به شناخت ساختار سازمان، تأثیر بسزایی در افزایش بهره‌وری عملکرد سازمان دارد.

۱- تئوری سازمانی

تئوری سازمانی مجموعه‌ای از ایده‌ها درباره چیستی و چگونگی سازمان‌هاست. «در تئوری سازمان پدیده مورد بررسی، سازمان است» (هچ، ۱۳۸۵: ۳۰). «تئوری سازمانی رشته‌ای است که ساختار و طرح سازمان را مورد مطالعه قرار می‌دهد. تئوری سازمانی توصیف می‌کند که سازمان‌ها در عمل چگونه ساختارمند می‌شوند و همچنین پیشنهاداتی راجع به اینکه چگونه می‌توان سازمان‌ها را به گونه‌ای بنا کرد که اثر بخشی آن‌ها افزایش یابد، ارائه می‌دهد» (رابینز، ۱۳۹۳: ۲۴). مرکز ثقل این تئوری، بررسی پدیده سازمان و چیستی و چگونگی آن است (هچ، ۱۳۸۵: ۲۰). با این توضیحات، تئوری سازمانی در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی مانند مدیریت و اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفاهیم اصلی این تئوری به شرح زیر است:

محیط سازمانی^۱: یکی از مفاهیم محوری تئوری سازمانی، محیط سازمان است. در این تئوری تعاریف متعددی از محیط ارائه شده است. محور مشترک همه آن‌ها عوامل خارج از سازمان مد نظر قرار گرفته‌اند. در تئوری‌های مدرنیستی سازمان که پژوهش حاضر در تبیین مسئله خود آن را مد نظر

.....
1 . Organizational Environment

قرار داده است؛ محیط سازمانی به عنوان «موجودیتی که خارج از مرزهای سازمان قرار دارد» (هچ، ۱۳۸۵: ۱۰۹)، تعریف شده است.

عامل یا محرک محیطی^۱: سازمان‌ها با فشارهای دائمی جهت تغییر مواجه هستند. «تغییر ممکن است به سازمان تحمیل شود و یا اینکه سازمان به منظور نشان دادن واکنش نسبت به محیط و یا به سبب نیاز داخلی تغییر را بپذیرد [بر این اساس]، تغییر سازمان عمدتاً توسط عوامل خارجی و یا داخلی تحمیل می‌شود» (مورهد و گریفین، ۱۳۸۳: ۵۸۵-۵۸۲).

عوامل یا «متغیرهای محیطی یک سازمان را می‌توان از قلمرو خاص آن سازمان شناخت. قلمرو و یا حوزه، آن دسته از عوامل محیطی هستند که سازمان برای رسیدن به اهدافش باید با آن‌ها ارتباط داشته باشد. رقبا، مشتریان و ... عوامل محیطی هستند که موجب تغییر در سازمان می‌شوند» (دعایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰).

در پژوهش حاضر، «انتخابات» با شاخص «رقابت انتخاباتی» و «شکست انتخاباتی» به عنوان عامل یا محرک محیطی‌ای فرض شده که مجموعه‌ای از تغییرات را بر سازمان جناح راست تحمیل کرده است.

تغییر: به عنوان یک فرایند، فقط از طریق اندازه‌گیری طی زمان توصیف می‌شود. در مطالعات حزبی، تغییر حزبی یا تغییر در احزاب به عنوان «تفاوت در یک ویژگی حزبی معین اندازه‌گیری شده در واحدهای زمانی t و $t+1$ (Janda, 1990: 14) تفسیر می‌شود. بر اساس یک تعریف، تغییر سازمانی^۲ شامل «تغییر در یک [ویژگی] سازمان بین دو نقطه زمانی است» (Barnett and Carroll, 1995: 219). واحد تغییر واحد زمانی‌ای است که تغییرات نسبت به قبل و بعد از آن واحد سنجیده می‌شوند. در پژوهش حاضر واحد سنجش تغییرات در برخی ویژگی‌های سازمانی جناح راست بر اساس واحد زمانی تغییر، شامل دو واحد زمانی تغییر، یعنی «قبل و بعد از رقابت انتخاباتی» و «قبل و بعد از شکست انتخاباتی» به عنوان شاخص‌های متغیر «محرک انتخاباتی» در نظر گرفته شده است.

تغییرات سازمانی: بر اساس یک تعریف عملیاتی، تغییرات سازمانی عبارت است؛ از «دگرگونی در سطوح و درجات مختلف در یک نظام زنده که دارای اجزایی به هم وابسته است و می‌تواند به صورت برنامه‌ریزی شده یا نو ظهور، مستمر یا قطعی، بنیادی یا توسعه‌ای به اجرا در آید» (ناصحی‌فر

.....
1 . Environmental Stimulus/Incentives
2 . Organizational Change

و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۲).

در پژوهش حاضر، تغییرات سازمانی به محتوای تغییرات ایجاد شده ناشی از تأثیر گذاری محرک محیطی «انتخابات» در سازمان جناح راست اشاره دارد. این تغییرات شامل تغییر در واحد سازمانی، استراتژی سازمانی، هدف سازمانی، رسالت سازمانی، تاکتیک سازمانی، فرهنگ سازمانی و هویت سازمانی جناح راست فرض شده‌اند.

ساختار سازمانی^۱: ابزاری است؛ برای کمک به مدیریت در دستیابی به اهداف سازمان و به عبارتی دیگر، چارچوبی است که سازمان بر اساس آن بنا می‌شود و تصریح می‌کند که وظایف چگونه تخصیص داده شوند (قدمی و مرزبان، ۱۳۹۲: ۳۱).

واحد سازمانی: هر سازمان برای انجام وظایف دارای تشکیلات یا واحدهای سازمانی^۲ است. این واحدها یا تشکیلات سازمانی حدود تفکیک درون سازمان را نشان می‌دهند. «تشکیلات سازمانی مشخص می‌نماید که وظایف، چگونه تخصیص داده شوند، چه شخصی مسئول است و به چه شخصی گزارش می‌دهد و ساز و کارهای هماهنگی رسمی و همچنین روش‌های ارتباطی سازمانی (قواعد ارجاع) که باید رعایت شوند، کدامند» (سایت گروه نرم‌افزاری پیوست، ۱۳۹۶: ۱).

استراتژی و تاکتیک سازمانی^۳: استراتژی یا راهبرد سازمانی «فرایند تعیین اهداف بنیادی بلند مدت، اتخاذ شیوه کار و تخصیص منابع لازم برای تحقق این اهداف» (رابینز، ۱۳۹۳: ۱۱۲) تعریف شده است. «در حالی که استراتژی مسیری را که یک سازمان برای دستیابی به رسالت و اهداف بلندمدت سازمانی نیاز دارد، پیش روی سازمان قرار می‌دهد، تاکتیک‌های سازمانی، گام‌های کوچک‌تر و چارچوب‌های زمانی کوتاه‌تری شامل بهترین رویه‌ها و برنامه‌های ویژه هستند که همچنین «ابتکارات»^۵ نیز نامیده می‌شوند» (Yochum, 2016: 1).

فرهنگ سازمانی^۶: عبارت است از باورهای مشترک در یک سازمان. «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، درک و استنباط و شیوه‌های تفکر یا اندیشیدن که اعضای سازمان در آن‌ها وجوه مشترک دارند ... هدف فرهنگ این است که به اعضای سازمان هویت بدهد و در آنان نسبت به باورها و

1 . Organizational Structure

2 . Organizational Unit

۳. پژوهشگران به تعریف مناسبی از واحد سازمانی در متون آکادمیک دست نیافته‌اند.

4 . Organizational Strategy

5 . Initiative

6 . Organizational Culture

ارزش‌ها تعهد ایجاد کند» (هال، ۱۳۸۳:۳۹۴).

هویت سازمانی^۱: هویت سازمانی «درک یگانگی یا تعلق پذیری به سازمان» (نصر اصفهانی و آقاباباپور دهکردی، ۱۳۹۲:۱۴۲) تعریف می‌شود. به عبارتی دیگر، هویت سازمانی به طور گسترده به آنچه اعضای سازمان در مورد سازمان خود درک، احساس و فکر می‌کنند؛ اشاره دارد. «هویت سازمانی به پرسش‌هایی نظیر "ما که هستیم" و "ما می‌خواهیم چه باشیم" مربوط می‌شود (پارسا ضیابری و شیروانی، ۱۳۹۱:۳۲). از این رو هویت سازمانی زمانی تغییر خواهد کرد که سازمان تغییری را در مفهوم «ما» تجربه کند.

۲- تعریف عملیاتی مفاهیم پژوهش حاضر

در پژوهش حاضر برای تبیین تغییرات سازمانی در جناح راست در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۷ با تمرکز بر مسئله تغییرات سازمانی بر جناح راست در ایران، ضمن تبیین چرایی رخداد تغییرات در سازمان جناح راست، برون‌داد تغییرات ایجاد شده را با تمرکز بر هفت متغیر: «تغییر واحد سازمانی»، «تغییر اهداف»، «تغییر رسالت»، «تغییر استراتژی»، «تغییر تاکتیک»، «تغییر فرهنگی» و «تغییر هویتی» شناسایی و توصیف کند. از این رو مفاهیم پژوهش به شرح جدول زیر تعریف عملیاتی می‌شوند.

جدول ۱- تعریف عملیاتی مفاهیم

ردیف	مفهوم	متغیر	شاخص
۱	جناح راست	میزان عضویت	- جهت‌گیری سیاسی: میزان باور به برتری نهاد ولایت فقیه نسبت به حاکمیت قانون و مردم
		جناحی	- جهت‌گیری اقتصادی: میزان اعتقاد به اقتصاد بازار آزاد؛ میزان کنترل دولت بر اقتصاد
			- جهت‌گیری فرهنگی: میزان اعتقاد به نظارت دولت بر حوزه فرهنگ
			- جهت‌گیری سیاست خارجی: میزان اعتقاد به گسترش روابط با اعضای نظام بین‌الملل؛ به‌ویژه گسترش روابط با ایالات متحده آمریکا

۱۵۱۴ جدول ۱- تعریف عملیاتی مفاهیم

ردیف	مفهوم	متغیر	شاخص
۲	تغییرات سازمانی	میزان تغییرات سازمانی	<p>- تغییر در واحد سازمانی: میزان تغییر در ساختار تشکیلاتی به شکل انشعابات درون- سازمانی</p> <p>- تغییر در استراتژی سازمانی: میزان تغییر در راهبردهای بلند مدت سازمانی در زمینه دستیابی به اهداف سازمانی</p> <p>- تغییر در تاکتیک سازمانی: میزان تغییر در تاکتیک‌های سازمانی به شکل روش‌های خاص در جهت پیشبرد استراتژی سازمان</p> <p>- تغییر در فرهنگ سازمانی: میزان تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای مشترک اعضای سازمان</p> <p>- تغییر در هویت سازمانی: میزان تغییر در «ما»ی سازمانی به عنوان هویت مشترک سازمانی</p>
۳	انتخابات	تعداد دوره‌های انتخاباتی	<p>- انتخابات شوراهای شهر و روستا: دوره دوم</p> <p>- انتخابات مجلس شورای اسلامی: دوره‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم</p> <p>- انتخابات ریاست جمهوری: دوره‌های پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و یازدهم</p>
۴	محرك محیطی انتخابات	تعداد دوره‌های انتخاباتی در سطح محلی و کشوری	<p>- انتخابات شوراهای شهر و روستا: دوره دوم-سطح محلی</p> <p>- انتخابات مجلس شورای اسلامی: دوره‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم - سطح کشوری</p> <p>- انتخابات ریاست جمهوری: دوره‌های پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و یازدهم</p>
۵	واحد زمانی تغییر «انتخابات»	زمان قبل و بعد از برگزاری انتخابات	<p>- رقابت انتخاباتی: تعداد نامزدهای اعلام شده برای کسب کرسی‌های نمایندگی شوراهای شهر، مجلس شورای اسلامی، معرفی نامزد مورد حمایت برای جایگاه ریاست جمهوری</p> <p>- شکست انتخاباتی: عدم دستیابی به بیشتر کرسی‌ها در شوراهای اسلامی شهر و مجلس شورای اسلامی</p> <p>- عدم پیروزی نامزد مورد نظر در انتخابات ریاست جمهوری</p>

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ موضوع یا مسئله پژوهش از نوع مطالعات موردی و به لحاظ هدف، تبیینی است. در این پژوهش از ابزار فیش برداری کتابخانه‌ای و همچنین جستجو در اسناد، مدارک و متون (شامل بیانیه‌های رسمی، بیانیه‌های انتخاباتی، اظهارات نخبگان جناحی - نخبگان اصلی درون- سازمانی جناح راست) موجود در ارگان‌های مطبوعاتی و پایگاه‌های اینترنتی مربوط به جناح راست در ایران به عنوان داده‌های پژوهش به روش هدفمند گردآوری شده است.

پ- یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با به‌کارگیری تئوری سازمانی و رویکرد سیستم باز به عنوان چارچوب نظری مبنا به تبیین تغییرات سازمانی در جناح راست در ایران پرداخته است. آنچه که در ادامه می‌آید؛ برون‌داد و محتوا و پیامد تغییرات ایجاد شده در سازمان جناح راست در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۷ است که بنا بر ادعای پژوهشگران در پاسخ به محرک محیطی «رقابت انتخاباتی» صورت گرفته است.

۱- محرک تغییر: رقابت انتخاباتی پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۴

بر اساس تئوری سازمانی که پیش‌تر شرح آن رفت؛ محرک‌های تغییر در سازمان‌ها می‌تواند؛ عوامل درون و برون-سازمانی باشد. در این پژوهش، جناح راست به عنوان یک سازمان باز فرض شده که بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۴ تغییراتی را به خود دیده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، نخستین واحد از واحدهای زمانی تغییر که جناح راست در آن تغییر کرده، انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی است که در اواخر سال ۱۳۷۴ برگزار شد. رشد طبقه متوسط همراه با مشکلات اقتصادی و تورم به عنوان عوامل بیرونی که ریشه در عملکرد دولت هاشمی رفسنجانی به ویژه برنامه توسعه اقتصادی دولت وی داشت؛ بر تغییر سازمانی جناح راست سستی تأثیرگذار بود. به این ترتیب که توسعه اقتصادی دولت هاشمی منجر به شکل‌گیری و ایجاد طبقه جدیدی به نام طبقه متوسط جدید در کشور به ویژه در شهرهای بزرگ از جمله تهران گردید. از مشخصه‌های این طبقه جدید تقاضا برای ورود به عرصه سیاسی بود. این تغییر در بافت اجتماعی کشور و کلان شهرها سبب شد تا جناح‌های مختلف سیاسی دیدگاه‌هایی را در جهت بسط توسعه سیاسی، آزادی‌های مدنی و

مشارکت سیاسی مطرح کنند. به نظر می‌رسد؛ افزایش طبقه متوسط نه تنها بر نوع بینش و تفکر گروه‌های سیاسی مختلف تأثیر گذاشت (هرسیچ و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۱۴)؛ بلکه بر جناح راست هم اثر گذاشت تا پایگاه اجتماعی خود را در بین این طبقه جدید گسترش دهد. از طرف دیگر، تورم و مشکلات ناشی از آن نیز فضای انتخابات را تحت تأثیر خود قرار داده بود. با توجه به اینکه اقتصاد و توسعه اقتصادی در صدر برنامه‌های اقتصادی دولت هاشمی قرار داشت و دولت هم تمام تلاش و همت خود را برای رسیدن به اهداف اقتصادی به کار گرفت. اما همه شاخص‌های اقتصادی مطابق انتظار پیش نرفت؛ به‌گونه‌ای که افزایش تورم و شکاف طبقاتی جامعه و کشور را تحت تأثیر خود قرارداد و این امر باعث افزایش نارضایتی در جامعه شد. در مجموع عواملی همچون ضعف جناح چپ، رشد طبقه متوسط جدید و مشکلات اقتصادی به عنوان زمینه‌های محیطی تغییر در جناح راست سنتی را موجب شد. اگر چه جناح راست و تمام نیروهای سیاسی وابسته به آن در دور اول و دوم از ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی حمایت کردند و نیز توانستند؛ در انتخابات مجلس چهارم با حمایت هاشمی پیروز انتخابات شوند؛ اما این جناح در ادامه دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی با رویکردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وی دچار اختلاف شد. بدین ترتیب رفته رفته زمینه شکاف بین جناح راست و دولت هاشمی و مدیران آن به وجود آمد که این مسئله در نهایت زمینه تغییر در جناح راست را فراهم کرد.

در آستانه انتخابات مجلس پنجم از اواسط سال ۱۳۷۴ و اوج گرفتن فضای انتخابات و رقابت‌های انتخاباتی، شکاف درون جناح راست بیشتر شد و شایعاتی مبنی بر اینکه قرار است؛ دولت فهرست جداگانه‌ای ارائه کند؛ در گوشه و کنار شهر شنیده می‌شد. اما گویا اختلافات از آن جایی شروع شد که جامعه روحانیت مبارز از پذیرش پنج تن از نامزدهای دولت خودداری کرد (خواجeh سروی و شاعری، ۱۳۹۵: ۱۲۳). با این استدلال که جمعیت مؤتلفه اسلامی که همراه با جامعه روحانیت مبارز ائتلاف جناح راست و تشکل‌های همسو را تشکیل می‌داد؛ اعلام کرد که نمی‌تواند؛ از برخی از اعضای لیست دولت حمایت کند. چرا که متدینین و بازاریان که هزینه تبلیغات را بر عهده دارند؛ در این زمینه عذر شرعی دارند. به دنبال تشدید تنش‌ها و اختلاف‌ها در آذرماه ۱۳۷۴ به پیشنهاد حسن حبیبی، هاشمی رفسنجانی در نامه‌ای به جامعه روحانیت مبارز که خود از اعضای آن بود؛ درخواست کرد که برای رفع اختلافات نام پنج نفر از افرادی را که اختلاف بر سر آن‌ها بود؛ در لیست خود قرار دهند (شادلو، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

عامل زمینه‌ای دیگر، عملکرد رقیب بود؛ با وجود پیروزی‌های پی در پی جناح اصلاح طلب در سه رویداد انتخاباتی ۱۳۷۶، ۱۳۷۸، و ۱۳۸۰، عملکرد دولت موسوم به اصلاحات به عنوان یکی از عوامل محیطی جناح راست، زمینه تحریک این جناح و پاسخ به محیط پیرامونی‌اش را فراهم آورد. عملکرد نه چندان مطلوب اقتصادی دولت خاتمی و بروز مشکلاتی چون گرانی و تورم در اواخر سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ سبب افزایش نارضایتی جامعه نسبت به دولت اصلاحات شد. بر اساس یک تحلیل، ناتوانی دوره دوم دولت اصلاحات در زمینه مشکلات اقتصادی و همچنین، عملکرد ناموفق شوراهای که در اختیار اصلاح طلبان بود؛ «سبب گردید جناح اصلاح طلب از سال ۱۳۸۰ به بعد به تدریج مقبولیت اجتماعی خود را از دست بدهد. در مجموع اصلاحات بعد از پیروزی‌های متواتر نتوانست جامعیت خود را حفظ کند و به نیازها و تقاضاهای متعدد زمانه پاسخ دهد و به این ترتیب انشقاق و ریزش در آن آغاز شد» (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

بدین ترتیب، مجموعه‌ای از عوامل درون- سازمانی و محیطی موجب شد تا زمینه تغییر تدریجی این جناح در صحنه سیاست ایران فراهم آید. اما آنچه در پژوهش حاضر مورد تأیید است؛ تأثیر گذاری محرک محیطی انتخاباتی بر تغییرات سازمانی در سازمان جناح راست است. همان‌گونه که ذکر آن رفت؛ پیروزی‌های پی در پی جناح اصلاح طلب در سه رقابت انتخاباتی موجب عدم اطمینان محیطی جناح راست شد. پاسخ جناح راست به این محرک محیطی بروز تغییراتی در سازمان این جناح بود. یکی از این تغییرات عمده، تغییر در جزء واحد سازمانی جناح راست بود که به شکل محتوای تغییر تشکل سیاسی «حزب کارگزاران سازندگی» پدیدار شد. فرایند این تغییر در بستر انتخابات مجلس پنجم و ارائه فهرست انتخاباتی در پی اختلاف میان تشکل جامعه روحانیت مبارز و بدنه دولت هاشمی رفسنجانی قابل توضیح است. «در نتیجه اختلافات پیش آمده، شانزده نفر از طرفداران هاشمی که شامل ده وزیر، چهار معاون و رئیس کل بانک مرکزی و شهردار تهران بودند، با نام «جمعیت از کارگزاران سازندگی» از جامعه روحانیت جدا شده و لیست جداگانه‌ای برای تهران و شهرهای دیگر ارائه دادند و با شعار «عزت اسلامی، تداوم سازندگی و آبادی ایران» وارد انتخابات شدند» (نجف پور، ۱۳۸۷: ۲۴۶). این تغییر خود منجر به ایجاد گرایش نوظهوری در جناح راست شد که در ادبیات جناحی، از آن به عنوان جناح یا جریان راست مدرن یا میانه یاد می‌شود (به طور نمونه، ر.ک به: دارابی، ۱۳۹۱: ۳۳۶).

۲- محرک تغییر: رقابت انتخاباتی دوره دوم شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۸۱

تا پیش از دهه ۱۳۸۰ جریان سیاسی ای که دیدگاه‌های محافظه‌کارانه‌ای در حوزه سیاست خارجی و فرهنگ داشت؛ ذیل عنوان «جناح راست» در صحنه سیاست ایران شناخته می‌شد. اما از اوایل این دهه، این جریان با عنوان جناح یا جریان «اصول‌گرا» تغییر نام و البته هویت سازمانی داد. آنچه برون‌داد تغییر «گذار به هویت اصول‌گرا» از تغییرات سازمانی در جناح راست را تثبیت کرد؛ شکل‌گیری تاکتیک‌های سازمانی‌ای بود که در پاسخ به محرک شکست‌های انتخاباتی ۱۳۸۰-۱۳۷۶ و پس از آن، رقابت‌های انتخاباتی دهه ۱۳۸۰ به تدریج شکل گرفت. نخبگان جناح راست که در دوره مورد بحث «اصول‌گرایان» نامیده می‌شدند؛ از این تاکتیک‌ها به عنوان «ساز و کارهای انتخاباتی» یاد می‌کردند. این ساز و کارها به «اصول‌گرایان» کمک کرد تا استراتژی مطلوب خود را که همواره به منظور دستیابی به هدف عینی «برد انتخاباتی» در پی تحقق آن بودند؛ یعنی «وحدت حداکثری»، تا اندازه‌ای تعقیب کنند. اگرچه در نهایت، در پی انشعابات درون-سازمانی این جناح، این استراتژی کاملاً حاصل نشد؛ اما به یاری این تاکتیک‌ها «اصول‌گرایان» توانستند؛ در چند رقابت انتخاباتی در دهه ۱۳۸۰ پیروز میدان شوند. پیش از آنکه به بررسی چگونگی فرایند ایجاد این تاکتیک‌های سازمانی در واحدهای زمانی تغییر مورد نظر پرداخته شود؛ لازم است نگاهی به ماهیت این تاکتیک‌ها شود.

پیشتر در بحث از استراتژی و تاکتیک سازمانی اشاره شد که در حالی که استراتژی طرح جامع و مادر یک سازمان است که نشانگر چگونگی دستیابی یک سازمان به اهدافش است؛ تاکتیک‌ها می‌توانند؛ شگردها و روش‌های خاص برای پیشبرد برنامه استراتژیک با مقتضیات زمان و محیط تعریف شوند که به طور عمده پس از تدوین برنامه، مورد توجه استراتژیست‌های سازمانی قرار می‌گیرند. در زمینه جناح راست در ایران، هدف این سازمان/جریان سیاسی، آن‌گونه که نخبگان این جناح می‌گویند؛ «برد انتخاباتی» فرض و استراتژی آن بر اساس جست و جوی پژوهشگران در دیدگاه‌های نخبگان جناح راست، «وحدت حداکثری» عنوان شده است. اما تاکتیک سازمانی، ساز و کارها و یا شگردهایی است که برای پیشبرد برنامه استراتژیک «وحدت حداکثری» تدارک دیده شد. این تاکتیک‌ها در قالب «جبهه» و «ائتلاف»‌های انتخاباتی» پدیدار شدند که نخستین آن در دهه ۱۳۸۰ با محتوای تغییر «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی» قابل شناسایی است که در پاسخ به محرک برون-سازمانی رقابت انتخاباتی دوره دوم شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۸۲ در درون سازمان جناح راست ایجاد شد. دارابی با استناد به محتوای متن منشور «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی»، آن را گفتمان جدیدی می‌داند

که سایر گفتمان‌ها را تحت شعاع خود قرار داد. به تعبیر دارابی، ائتلاف آبادگران یک «جریان ارزشی و انقلابی» بود که «کمتر از جریان راست نشان داشت» (دارابی، ۱۳۹۱: ۲۴۲-۲۴۴). در توصیف دارابی، «ائتلاف آبادگران»، «حد وسط راست تا اصول‌گرایی» است. آنچه به نظر می‌رسد؛ دارابی بر آن تأکید دارد؛ پیوند زدن گذار هویتی «از راست به اصول‌گرایی» با تاکتیک سازمانی «ائتلاف آبادگران» است. اما نکته مهم‌تری که پژوهش حاضر از روایت دارابی استنباط می‌کند؛ پیامدی است که طراحی این تاکتیک و یا ساز و کار انتخاباتی بر ماهیت ساختار سازمان جناح راست و ایجاد انشعاب در طیف-بندی آن داشته است. یعنی شکل‌گیری طیفی جدید که «کمتر از جریان راست نشان داشت»؛ به عبارتی دقیق‌تر، ظهور جریان راست نو که با دیروز خود؛ راست سنتی متفاوت است.

۳- محرک تغییر: رقابت انتخاباتی دوره هشتم مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۶

هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه ۱۳۸۶ یکی دیگر از واحدهای زمانی تغییر در بررسی تغییرات در سازمان جناح راست طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۷ است. همان‌گونه که پیش از این گفته شد؛ جریان/جناح راست دیروز که با تغییر در نشانه هویتی خود، از دهه ۱۳۸۰ به بعد در صحنه سیاست ایران به عنوان اصول‌گرایان یا آنچه که خود اصرار دارند؛ «نیروهای ارزشی-انقلابی» شناخته می‌شدند؛ پس از شکست‌های متوالی در برابر رقیب اصلاح‌طلب در دهه ۱۳۷۰، توانستند با پیروزی در دومین دوره انتخابات شوراهای شهر در سال ۱۳۸۱ اندکی بر عدم اطمینان محیطی خود فائق آیند. بدین ترتیب با تدارک شگردها و تاکتیک‌های سازمانی گوناگون مسیر دستیابی به هدف عینی خود را مبنی بر «برد انتخاباتی» و کسب کرسی‌های بیشتر در نهادهای انتخاباتی هموار سازند. «جبهه متحد اصول‌گرایان» همانند «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی» یکی از این تاکتیک‌های سازمانی بود که هدف از طراحی آن کمک به پیشبرد برنامه استراتژیک جناح راست، یعنی ایجاد وحدت حداکثری میان گروه‌بندی‌ها و نیروهای سیاسی‌ای بود که در این مقطع زمانی «اصول‌گرایان» نامیده می‌شدند. «جبهه متحد اصول‌گرایان» در واقع، محتوای تغییری است که در پاسخ به محرک رقابت انتخاباتی ۱۳۸۶ رخ داده است. این انتخابات در شرایط محیطی‌ای از محیط جناح راست برگزار شد که جناح رقیب یا اصلاح‌طلبان پس از شکست در انتخابات شوراهای شهر دوم (۱۳۸۱)، مجلس هفتم (۱۳۸۲) و ریاست جمهوری نهم (۱۳۸۴) تغییر تاکتیک داده و با کنار گذاشتن تحریم و قهر سیاسی، تصمیم جدی برای حضور در انتخابات ۱۳۸۶ گرفته بودند. اما یکی از منابع محیطی مهم

جناح راست، یعنی نهادهای انتخاباتی نظارتی (شورای نگهبان و کارویژه نظارت استصوابی این نهاد) با رد صلاحیت به نسبت گسترده اصلاح‌طلبان در آستانه رقابت انتخاباتی مجلس هشتم باعث شد؛ آن‌ها رقیبی جدی برای «اصول‌گرایان» به شمار نیایند و از این رو با احساس اطمینان محیطی بیشتری وارد این رقابت شوند.

گرچه این احساس اطمینان لازم بود؛ اما برای ورود به رقابت انتخاباتی کافی نبود. جناح راست که حضورش را در انتخابات پیش از این واحد زمانی، با برد انتخاباتی تثبیت کرده بود؛ با رقابت‌های درون-سازمانی مواجه شده بود. این وضعیت جناح راست/اصول‌گرا مؤید فرضیه‌ای درباره رقابت‌های سیاسی است که می‌گوید؛ هر گاه رقیب جدی‌ای در صحنه نباشد؛ افزایش رقابت داخلی میان نیروهای همسو، قریب‌الوقوع و در نتیجه دستیابی به وحدت میان آن‌ها دور از انتظار است. یکی از نشانه‌ها یا دلالت‌های این فرضیه درباره جناح راست می‌تواند؛ تعدد فهرست‌های انتخاباتی‌ای باشد که در رقابت‌های انتخاباتی از سوی گروه‌های ذیل این جناح منتشر می‌شوند. از این رو تاکتیک سازمانی «جبهه متحد اصول‌گرایان» به نظر می‌رسید؛ بتواند به اصول‌گرایان کمک کند تا از رقابت‌های درون سازمانی که احتمال داشت؛ آن‌ها را از دستیابی به هدف نهایی «برد انتخاباتی» باز می‌داشت؛ جلوگیری کنند.

۴- محرک تغییر: رقابت انتخاباتی دوره نهم مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰

انتخابات مجلس نهم در اواخر سال ۱۳۹۰ اولین انتخابات پس از حوادث سال ۱۳۸۸ بود. اگر چه بحران ناشی از انتخابات ۱۳۸۸ فروکش کرده بود؛ اما سایه آن در فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات مجلس نهم سنگینی می‌کرد. آن چه از این رویداد انتخاباتی در این جا مد نظر است؛ تأثیرپذیری سازمان جناح راست از انتخابات ۱۳۹۰ به عنوان یک محرک محیطی است. خواجه سروی و شاعری درباره تأثیر محیط پیش از رقابت انتخاباتی ۱۳۹۰ بر جناح راست که در مقطع زمانی مورد بحث به عنوان جناح «اصول‌گرا» شناخته می‌شد؛ می‌نویسند: «پیش از شروع ایام تبلیغات مجلس نهم در میان اصول‌گرایان سه شکاف مهم رخ داد و آنان به سه دسته تقسیم شدند، نخست اطرافیان احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت بودند و دوم افرادی که البته تبدیل به یک جریان (جبهه متحد اصول‌گرایان) شدند و دیگری جبهه پایداری بود» (خواجه سروی و شاعری، ۱۳۹۵: ۲۶۷). در ادامه نشان داده می‌شود؛ چگونه محرک محیطی رقابت انتخاباتی ۱۳۹۰ ابتدا موجب یک رقابت درون-

سازمانی در سازمان جناح راست شد و در ادامه، این رقابت منجر به برونداد تغییر به شکل یک واحد سازمانی جدید با عنوان تشکل «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» در این سازمان سیاسی شد. اما پیش از آن با ردیابی زمینه‌های محیطی این تغییر سازمانی و تأثیرات آن‌ها بر شکل‌گیری واحد سازمانی «جبهه پایداری» پرداخته می‌شود.

گرچه تمرکز پژوهش حاضر بر نقش محرک محیطی رقابت انتخاباتی در ایجاد تغییرات سازمانی جناح راست قرار داده شده است؛ اما لازم به یادآوری است که نمی‌توان موقعیت رقیب و دولت/قوه مجریه مستقر (بر اساس وابستگی جناحی آن) را به عنوان دیگر عوامل موجود در محیط خارجی بر رخداد این تغییرات نادیده گرفت. در مقطع زمانی مورد بحث، یعنی در آستانه ورود به رقابت انتخاباتی ۱۳۹۰، به نظر می‌رسد؛ جناح راست از یک اطمینان محیطی نسبی برخوردار بود. از یک سو رقیب جدی آن، جناح اصلاح طلب و متحدان سیاسی اش که به واسطه مواضع‌شان نسبت به نتیجه انتخابات ۱۳۸۸ از صحنه سیاست ایران به حاشیه رانده شده بودند؛ در موقعیت ضعیفی قرار داشت. برخی از این گروه‌های سیاسی شرکت در انتخابات مجلس نهم را تحریم کردند. گرچه این موضع تمامی گروه‌های اصلاح طلب نبود؛ با این حال فهرستی با حضور چهره‌های سرشناس این طیف نیز ارائه نشد. گرچه دو عامل ذکرشده به عنوان عوامل موجود در محیط خارجی جناح راست بر تغییرات سازمانی در این جناح در سال ۱۳۹۰ مؤثر بوده‌اند؛ اما تمرکز پژوهش حاضر بر محرک محیطی انتخاباتی ۱۳۹۰ قرار داده شده است. از این رو باید گفت زمینه‌های اولیه برونداد تغییر تاکتیک سازمانی با محتوای واحد جدیدی به نام «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» را باید در درون مجلس هشتم جستجو کرد. زمانی که تعدادی از نمایندگان راست اصول‌گرا با ایجاد فراکسیون انقلاب اسلامی قصد داشتند؛ در میان سیاست‌های فراکسیون «اصول‌گرایان» به عنوان بیشتر و فراکسیون «خط امام» به عنوان کمترین مجلس، راه سومی را انتخاب کنند. در نتیجه، مجموعه این رویدادها منجر به شکاف در میان جبهه متحد اصول‌گرایان و ایجاد تغییر سازمانی دیگری در آستانه انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ گردید که در پژوهش حاضر از محتوای این تغییر با عنوان شکل‌گیری یک واحد سازمانی جدید نام برده شده است.

۵- محرک تغییر: رقابت انتخاباتی دوره دهم مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۴

انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفندماه ۱۳۹۴ آخرین واحد زمانی تغییر در بازه

زمانی مورد بررسی در زمینه تغییرات سازمانی در جناح راست است. پیش از پرداختن به برونداد تغییر رخداده در این واحد زمانی نگاهی به محیط خارجی سازمان جناح راست انداخته می‌شود. پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم در سال ۱۳۹۲ با پیروزی حسن روحانی کاندیدای ائتلافی اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان، محیط خارجی برای جناح راست ناامن شد. علاوه بر تقویت موقعیت رقیب در صحنه سیاست ایران، عامل دیگری که احساس عدم اطمینان محیطی اصول‌گرایان را بیشتر کرد؛ شکافی بود که در درون گروه‌بندی‌های موسوم به اصول‌گرا رخ داده بود. زمینه‌های این شکاف ریشه در موضع‌گیری‌های طیفی از اصول‌گرایان درباره توافق هسته‌ای برجام داشت. این طیف که از آن‌ها با نام اصول‌گرایان معتدل، نزدیک به علی لاریجانی یاد می‌شد؛ در مجلس نهم که بیشتر کرسی‌های آن در اختیار اصول‌گرایان بود؛ در قالب فراکسیون «رهروان ولایت» حامی سیاست‌های دولت روحانی در زمینه سیاست خارجی بودند. از این رو، اصول‌گرایان برای ورود به انتخابات ۱۳۹۴ وضعیت دشواری پیش رو داشتند. محمد نبی حبیبی، دبیر کل مؤتلفه، در توصیف این وضعیت می‌گوید: «اصولگرایان برای انتخابات ۹۴ راه دومی غیر از ائتلاف ندارند، اصولگرایی که با جزیره‌ای فکر کردن دامن به تفرق‌بزند یک جرم سیاسی قیامتی مرتکب شده است» (سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴: ۱). آنچه که حبیبی به اصول‌گرایان پیشنهاد می‌کند؛ در عمل از سوی جناح اصول‌گرا در قالب یک تاکتیک سازمانی جدید با عنوان «ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان» طراحی شد.

«ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان» از منظر رویکرد نظری پژوهش حاضر، محتوای تغییری است که جریان/جناح راست در پاسخ به محرک رقابت انتخاباتی ۱۳۹۴ تدارک دید. محمدرضا باهنر، رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری، تشکیل این تاکتیک سازمانی را «سازوکاری» برای رقابت در انتخابات مجلس دهم توصیف کرد (باهنر، ۱۳۹۴: ۱). این تاکتیک سازمانی مانند دیگر تاکتیک‌هایی که پیش از این به عنوان برون‌دادهای تغییر در سازمان جناح راست از آن‌ها بحث شد؛ به شکل یک فهرست انتخاباتی در آستانه رقابت‌های انتخاباتی پدیدار شد. گرچه اصول‌گرایان انتظار داشتند؛ با طراحی تاکتیک سازمانی ائتلاف بزرگ به مثابه یک چتر در برابر «ساختار منسجم فهرست رقیب»، ظاهر شوند؛ اما ترکیب فهرست در اعضای «جبهه پایداری» که به عنوان جریان رادیکال اصول‌گرایان شناخته می‌شد؛ زمینه شکست آن‌ها را در این رقابت انتخاباتی فراهم آورد.

علی‌رغم عدم اطمینان محیطی که در محیط سازمان جناح اصول‌گرا وجود داشت؛ این جناح نتوانست؛ پاسخ مناسبی به محرک محیطی رقابت انتخاباتی ۱۳۹۴ بدهد. گرچه تاکتیک سازمانی

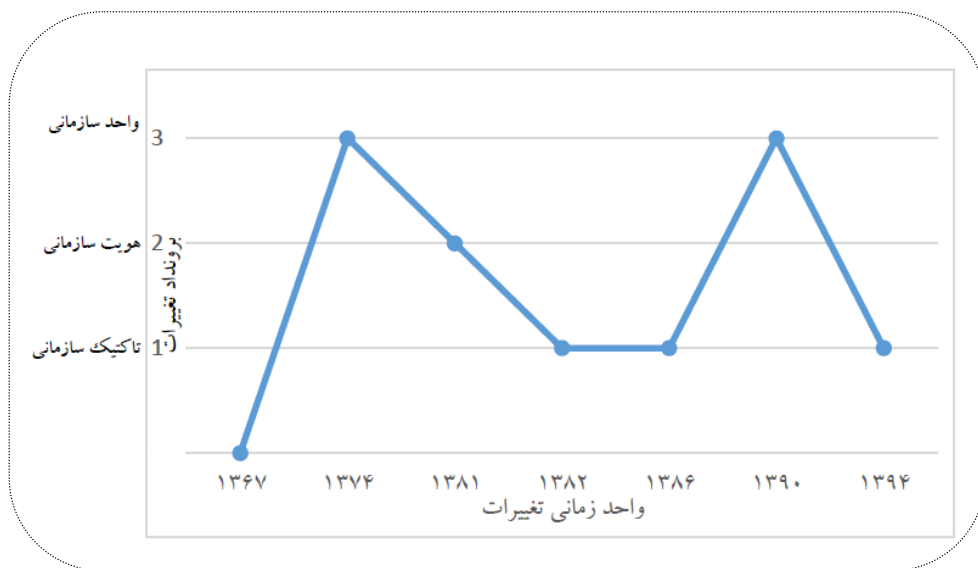
طراحی شده ذیل عنوان ائتلاف بزرگ نام گرفته بود؛ اما همان‌گونه که اشاره شد؛ در انحصار طیف تندرو این گروه‌بندی سیاسی قرار گرفت که این مسئله رقابت اصول‌گرایان را در مصاف با رقیب دشوار می‌ساخت. در نهایت، اصول‌گرایان ذیل «ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان» با شعار «معیشت، امنیت، پیشرفت» وارد رقابت انتخاباتی دهمین دوره مجلس شورای اسلامی با سرلیستی حداد عادل شدند (درباره تغییرات سازمانی جناح راست در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۷ ر.ک به: جدول شماره ۲-۳).

پژوهش حاضر معتقد است؛ از شش برونداد تغییر شناسایی شده در جناح راست طی بازه زمان ۱۳۹۴-۱۳۶۷ دو برونداد تغییر با محتوای واحدهای سازمانی «حزب کارگزاران سازندگی» در واحد زمانی تغییر ۱۳۷۴ و «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» در واحد زمانی تغییر ۱۳۹۰ بر ساختار سازمانی این جناح تأثیر گذاشته‌اند. این تأثیر در قالب تغییر در طیف‌بندی این جناح قابل مشاهده است. بدین معنا که با شکل‌گیری واحد سازمانی نخست، موجب یک گروه یا جناح‌بندی جدید ذیل عنوان راست مدرن/راست میانه و یا در برخی گونه‌شناسی از طیف‌بندی جناح‌ها در ایران، میانه‌روها و در سال‌های اخیر اعتدال‌گرایان شده است. در حال حاضر در آرایش نیروهای سیاسی در ایران این جریان به صورت مستقل از جناح راست اولیه زیست سیاسی دارد. همچنین تغییر دیگر در ساختار سازمان جناح راست پس از ایجاد واحد سازمانی «جبهه پایداری» صورت گرفته است. می‌توان گفت؛ جبهه پایداری توانست شکافی را در ساختار سازمانی جناح راست ایجاد کند که اصول‌گرایان را به دو گروه‌بندی اصول‌گرایان سنتی و نواصول‌گرایان تقسیم کند (درباره پیامد تغییرات سازمانی بر جناح راست نک به: شکل‌های شماره ۱ و ۲).

جدول ۲- تغییرات سازمانی در جناح راست در ایران: ۱۳۹۴-۱۳۶۷

محتوای تغییر	بروندادهای تغییر	بروندادها و محتوای تغییرات
		محورک‌های محیطی تغییر
«حزب کارگزاران سازندگی»	واحد سازمانی	رقابت انتخاباتی دوره پنجم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۴
«اصول‌گرایی»	هویت سازمانی	شکست انتخاباتی دوره دوم شوراهای شهر و روستا ۱۳۸۱
«ائتلاف آبادگران ایران اسلامی»	تاکتیک سازمانی	رقابت انتخاباتی دوره هفتم مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲
«ائتلاف جبهه متحد اصول‌گرایی»	تاکتیک سازمانی	رقابت انتخاباتی دوره هشتم مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۶
«جبهه پایداری انقلاب اسلامی»	واحد سازمانی	رقابت انتخاباتی دوره نهم مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰
«ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان»	تاکتیک سازمانی	رقابت انتخاباتی دوره دهم مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۴

منبع: یافته‌های پژوهش

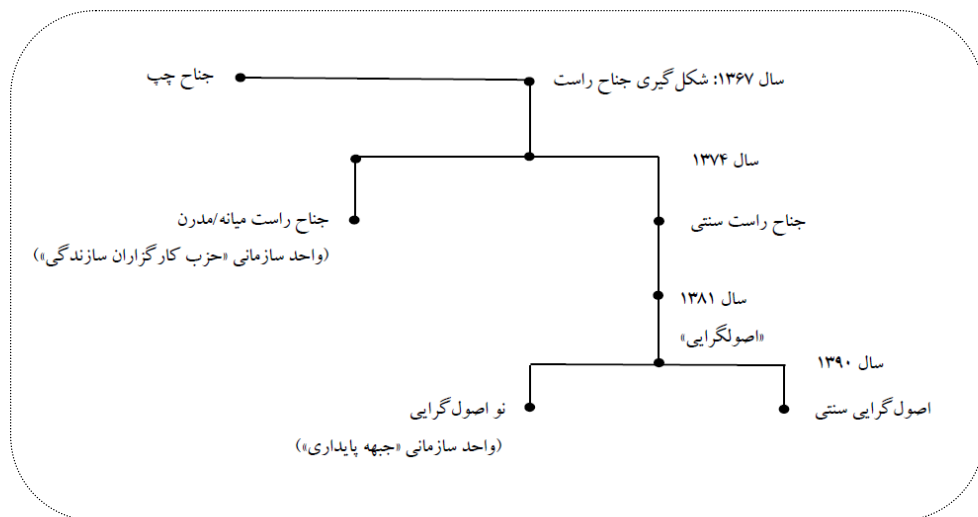


نمودار ۱- روند تغییرات سازمانی در جناح راست در فاصله زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۴

منبع: یافته‌های پژوهش

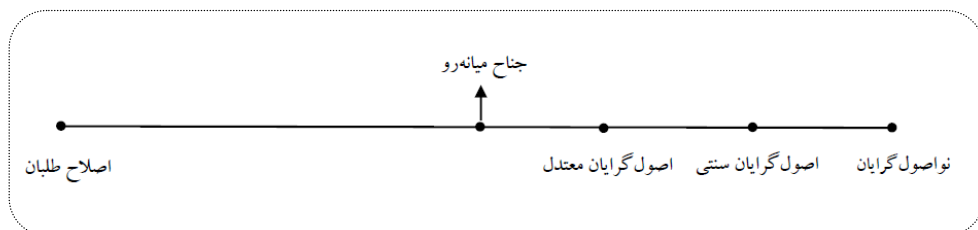
همان‌گونه که در نمودار (۱) نشان داده شده است؛ مجموع تغییرات سازمانی‌ای که جناح راست در فاصله زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۴ تجربه کرده است؛ شامل سه دسته برون‌داد تغییر هستند که بر اساس اهمیت‌شان در محور عمودی نمودار نشان داده شده‌اند. این برون‌دادهای سه‌گانه به ترتیب فراوانی تاکتیک سازمانی با محتوای «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی»، «جبهه متحد اصول‌گرایان» و «ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان»، واحد سازمانی با محتوای «حزب کارگزاران سازندگی ایران اسلامی» و «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» و هویت سازمانی با محتوای «جریان اصول‌گرایی» هستند. بر اساس واحدهای زمانی تغییر که در محور افقی نمودار آمده‌اند؛ نقطه آغاز این تغییرات در سال ۱۳۷۴ نتیجه محرک محیطی رقابت انتخاباتی پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی بوده است. تغییر بعدی در واحد زمانی ۱۳۸۱ در پاسخ به محرک محیطی رقابت انتخاباتی دوره دوم شوراها شهر و روستا رخ داده است. پس از این واحد زمانی، جناح راست طی دهه ۱۳۸۰ در فواصل زمانی ۱۳۸۲، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰ سه تغییر عمده را تجربه کرده که بیانگر بیشترین تغییرات در این دهه است. استنباط پژوهشگران این است که یکی از عوامل ایجاد این تغییرات، ورود نیروهای جوان به ساختار سازمانی جناح راست به

عنوان یک عامل درون- سازمانی تغییرات و دیگری، ضعف جناح رقیب (اصلاح طلبان) به عنوان عامل محیطی برون- سازمانی در رخداد این تغییرات مؤثر بوده است. همچنین در واحد تغییر زمانی ۱۳۹۴ جناح راست شاهد برونداد تغییر تاکتیک سازمانی با برونداد «ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان» بوده است. نکته قابل توجه دیگر درباره تغییرات ایجاد شده در سازمان جناح راست در فاصله زمانی مورد مطالعه این است که عمده این بروندادهای تغییر در پاسخ به محرک انتخاباتی مجلس شورای اسلامی بوده است. دلیل این امر می‌تواند بر اساس شدت رقابت در این انتخابات توضیح داده شود.



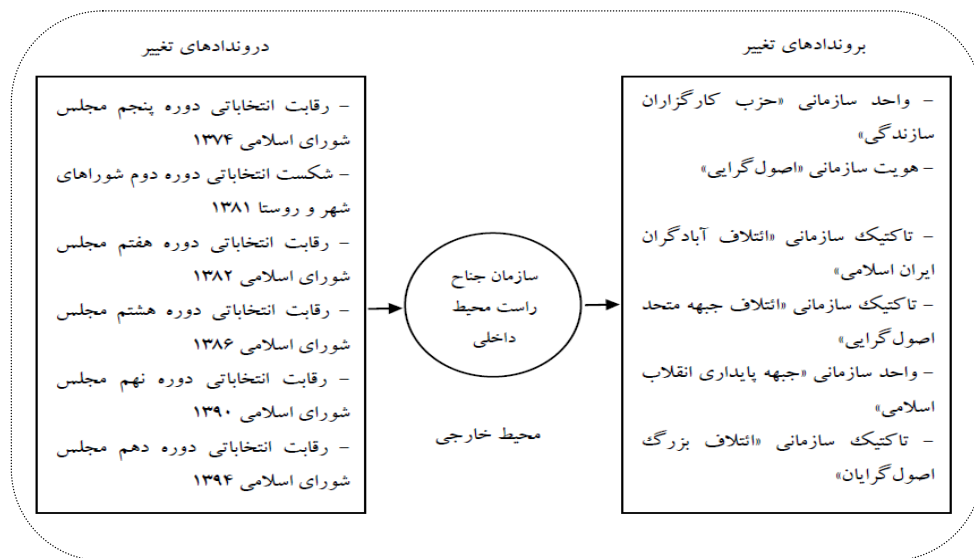
شکل ۱- تأثیر تغییرات سازمانی بر طیف بندی جناح راست/اصول‌گرا: ۱۳۶۷-۱۳۹۴

منبع: پژوهش حاضر



شکل ۲- طیف بندی جناح‌های سیاسی در ایران: ۱۳۶۷-۱۳۹۴

منبع: پژوهش حاضر



شکل ۳- تغییرات سازمانی در جناح راست در ایران در بازه زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۴
(از منظر رویکرد تئوری سازمانی- نگرش مدرنیستی/سیستمی)

منبع: پژوهش حاضر

نتیجه گیری

همان‌گونه که پیشتر در بررسی پیشینه پژوهش گفته شد؛ مطالعه‌ای که به طور مشخص به تغییرات سازمانی در جناح راست ایران پرداخته باشد؛ وجود ندارد. اما پژوهشگران در حین بررسی پیشینه پژوهش به برخی مطالعات در زمینه جناح‌های سیاسی در ایران برخورد کرده‌اند که به‌گونه‌ای به پژوهش حاضر شباهت دارند. یکی از این آثار، مقاله‌ای است از جمال‌زاده و کاظمی (۱۳۹۴) که نویسندگان در آن به بررسی علت‌کاوی انشعاب جریان‌های سیاسی در ایران پس‌انقلاب پرداخته‌اند. این اثر از لحاظ تمرکز بر مسئله انشعاب در جناح‌های سیاسی با موضوع پژوهش حاضر، یعنی تغییرات مشابه است؛ با این توضیح که انشعاب خود شکلی از تغییر است. اما آنچه که این دسته از مطالعات جناحی را از پژوهش حاضر متمایز می‌کند؛ تبیین آن از علت انشعاب/تغییرات مورد بررسی در جناح‌های سیاسی در ایران است. در اثر فوق، نویسندگان در بخشی از بررسی‌شان درباره انشعابات در جناح راست با استفاده از چارچوب نظری تحلیل گفتمان، علت این انشعابات را «ضعف مفصل-

بندی گفتمانی» در این جناح می‌دانند. در این اثر، علت اصلی انشعابات یک متغیر درون-سازمانی (قابل انطباق با علت تغییرات در سازمان‌ها در مدل‌های غایت‌شناختی و چرخه زندگی ازمدل‌های تغییر سازمانی) تشخیص داده شده است. همچنین در اثری دیگر، ذیل عنوان «تحلیل گفتمانی انشقاق جریان اصول‌گرا به خرده‌گفتمان‌های جبهه متحد اصول‌گرایی و جبهه پایداری» (آهنگر و دیگران، ۱۳۹۳) با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان، نویسندگان کوشیده‌اند؛ انشعابات ایجادشده در اوایل دهه ۱۳۹۰ در جناح راست/اصولگرا را توضیح دهند. بر اساس یافته‌های این اثر، «غیریت سازی درون-گفتمانی» در این جناح علت اصلی انشعاب بوده است. در حالی که در پژوهش حاضر بر نقش تعیین‌کننده محرک محیطی رقابت انتخاباتی به عنوان یک عامل برون-سازمانی بر تغییرات در جناح راست تأکید شده که از این نظر پژوهش حاضر از دو اثر ذکرشده در زمینه تغییرات در جناح راست متفاوت است. همچنین باید یادآور شد که گرچه عامل محرک محیطی به عنوان یک عامل برون-سازمانی تا اندازه‌ای قادر به تبیین عوامل مؤثر بر تغییرات سازمانی در جناح راست در بازه زمانی مورد بررسی است؛ اما عامل همه این تغییرات قابل تقلیل به محرک محیطی نیست. پژوهشگران دریافته‌اند که یکی از عوامل ایجاد تغییرات سازمانی در جناح راست، تغییر در بافت اجتماعی نخبگان این جناح بوده است. این متغیر با شاخص‌هایی چون سن (ورود نیروهای جوان به ساختار سازمانی)، تحصیلات (حوزوی یا دانشگاهی)، سابقه سیاسی (مبارزات انقلابی)، منزلت اجتماعی (تعلق به گروه اجتماعی روحانیون) و نگرش‌شان به فعالیت سیاسی (میزان اعتقاد به کار تشکیلاتی) قابل سنجش است. در تأیید این فرضیه می‌توان گفت؛ تغییرات سازمانی در واحد زمانی سال ۱۳۷۴ و ۱۳۸۱، علاوه بر محرک محیطی رقابت انتخاباتی، متأثر از شاخص‌هایی از این عامل درون-سازمانی بوده است.

پیشنهادات نظری و کاربردی

پژوهش حاضر در میان مطالعات جناحی دارای یک نقطه قوت کلیدی است که می‌تواند؛ مورد توجه پژوهشگران این حوزه از مسایل ایران قرار گیرد. این نقطه قوت، بهره‌گیری پژوهش حاضر از تئوری سازمانی با تأکید بر رویکرد مدرنیستی/سیستمی و مدل تکاملی از مدل‌های تغییر سازمانی به عنوان چارچوب نظری مبنا در تبیین تغییرات سازمانی جناح راست است. تلاش برای آزمون این چارچوب نظری برای تبیین تغییرات سازمانی در جناح راست با هدف نظری ارائه یک بدیل

تئوریتیکال در برابر رویکرد تحلیل گفتمان به عنوان رویکرد نظری غالب در مطالعات جناحی بوده است. ادعای پژوهش حاضر این است که این چارچوب نظری به لحاظ غنای مفهومی آن می‌تواند؛ به عنوان یک چارچوب نظری مکمل در تبیین عملکرد درونی جناح‌های سیاسی در ایران به پژوهشگران کمک کند. از این رو، پیشنهاد پژوهشگران به علاقمندان به حوزه مطالعات جناحی این است که با بهره‌گیری از رویکردهای دیگر مانند نمادین - تفسیری و مفاهیم این تئوری مانند پایش محیطی، تغییر سازمانی و ... به بررسی عملکرد سایر جناح‌ها در زمینه ایران بپردازند. همچنین توصیه دیگر به پژوهشگران مطالعات جناحی این است که با تأکید بر موضوع تغییرات سازمانی در جناح چپ، چارچوب نظری به کارگرفته شده در این پژوهش را در رابطه با این جناح مورد آزمون قرار دهند. همان‌گونه که گفته شده، تأکید پژوهش حاضر بر مطالعه تأثیر عوامل برون - سازمانی در تغییرات سازمانی جناح راست بوده است. در این چارچوب، پیشنهاد می‌شود؛ پژوهشگران علاقمند در تبیین تغییرات سازمانی در جناح راست یا دیگر جناح‌ها، با بهره‌گیری از مدل‌های تغییر سازمانی که بر عوامل درون - سازمانی و نقش آنها در تغییرات سازمانی تأکید دارند؛ از این مدل‌ها در تبیین نقش عوامل محیط داخلی سازمان جناح‌ها بر تغییرات در این جناح‌ها کمک بگیرند.

به لحاظ کاربردی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان از اهمیت محیط خارجی بر سازمان جناح‌ها در ایران دارد. از این رو، توصیه پژوهش حاضر به نخبگان جناح راست به طور خاص و سایر جناح‌ها به طور عام این است که با استفاده از پایش محیطی و با پایش مداوم محیط خارجی پاسخ‌های مناسبی را در قالب تغییرات سازمانی طراحی کنند.

بخش پیوست

مدل‌های تغییر سازمانی

مدل‌ها و تفاوت‌ها	تکمالی	غایت شناختی	چرخه زندگی	سیاسی	شناخت اجتماعی	فرهنگی
چرا تغییر اتفاق می‌افتد [محرک تغییر]	محیط خارجی	رهبران؛ محیط داخلی	رهبران هدایتگر رشد طبیعی افراد	مجادلات گفتاری ارزش‌ها، فرم‌ها و الگوها	ناهماهنگی شناختی، تناسب	پاسخ به تغییرات در محیط انسانی
[چگونگی] فرایند تغییر	انطباق به آرامی؛ تدریجی؛ غیر عمدی	عقلانی؛ خطی؛ عامدانه	توسعه طبیعی؛ نتیجه آموزش و انگیزه؛ تغییر عادات و هویت	نظم اولیه در پی آن نظم گاه و بی‌گاه ثانویه	یادگیری؛ تغییر پارادایم‌ها یا سند، به هم پیوسته و پیچیده	درازمدت نه به آرامی؛ فرایند نمادین؛ غیرخطی؛ غیرقابل پیش‌بینی
نتایج/بروندادهای تغییر	ساختار و فرایندهای جدید	ساختارها و اصول سازمانی جدید	هویت سازمانی جدید	ایدئولوژی جدید سازمانی	چارچوب ذهنی جدید	فرهنگ جدید
تشبیه کلیدی	ارگانیزم خود ساخته	-	معلم	جنبش اجتماعی	مغز	جنبش اجتماعی
مثال	وابستگی به منابع؛ انتخاب استراتژیک اکولوژی جمعیت	توسعه سازمانی؛ برنامه‌ریزی استراتژیک	مدل‌های توسعه؛ افول سازمانی؛ روانشناسی اجتماعی تغییر	توانمند سازی؛ چانه‌زنی؛ تغییرات سیاسی؛ نظریه مارکسیستی	آموزش تک حلقه‌ای؛ تغییر پارادایم‌ها؛ عقلانی سازی	استراتژی تغییر پارادایم؛ فرایندی
انتقادات	عدم تأکید [بر عامل] انسانی [در تغییرات سازمانی]؛ کیفیت جبری [تغییر]	بیش از حد منطقی و خطی؛ عدم توانایی در توضیح تغییر نظم دوم	کمبود دلایل تجربی محور جبری	جبری؛ کمبود نگرانی‌های محیطی راهنمایی ناکافی برای مدیران	کم اهمیت نشان دادن محیط؛ تأکید بیش از اندازه بر سهولت تغییر؛ نادیده گرفتن ارزش‌ها و انگیزه‌ها	غیر عملی برای راهنمایی مدیران؛ تمرکز بر فرهنگ جهان شمول؛ فریب به اتفاق آزمون نشده
مزایا	تأکید [بر عامل] محیطی [تغییر]؛ رویکرد سیستم‌ها	اهمیت عوامل تغییر؛ تکنیک‌ها و استراتژی‌های مدیریت چرخه زندگی	تغییر مرتبط با مراحل؛ بعد زمان؛ تمرکز بر مردم در سرتاسر زمان	تغییر ناپیوسته؛ غیر عقلانی بودن؛ نقش قدرت	تأکید بر طبیعت اجتماع ساخت؛ تأکید بر افراد؛ عادات و نگرش‌ها به عنوان موانع	محتوا؛ غیرعقلانی؛ ارزش‌ها و اعتقادات؛ پیچیدگی؛ مراحل چندگانه تغییر

Source: Kezar, 2001: 57 [با اندکی تغییرات]

منابع

الف- مقالات فارسی

- آقابخشی، علی (۱۳۷۵). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم.
- آهنگر، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمانی جریان اصول‌گرا به خرده گفتمان‌های جبهه-ی پایداری و جبهه متحد اصول‌گرایی در انتخابات ۱۳۹۰»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۱۶.
- برزین، سعید (۱۳۷۷). جناح‌بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: نشر مرکز.
- پارسا ضیابری، لیلا و شیروانی، علیرضا (۱۳۹۱). «رابطه فرهنگ سازمانی با تصویر سازمانی و هویت سازمانی»، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی. دوره ۳، شماره ۷، صص ۲۹-۳۷.
- جعفری، حمید (۱۳۸۹). «تغییر مواضع سیاسی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- جلائی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۹۲). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- جمال‌زاده، ناصر و کاظمی، سید محمدصادق (۱۳۹۴). «علت‌کاوی انشعاب جریان‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۱۱۳-۱۴۳.

- خواجه‌سروی، غلامرضا، شارعی، محمدمحسن (۱۳۹۵)، تاریخ تحولات سیاسی مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۱-۱۳۹۴)، تهران: انتشارات سرو اندیشه.
- دارابی، علی (۱۳۷۹)، سیاستمداران اهل فیضیه: بررسی، نقد، پیشینه و عملکرد جامعه روحانیت مبارز تهران، تهران: انتشارات سیاست، چاپ اول.
- دارابی، علی (۱۳۹۱)، جریان شناسی سیاسی در ایران، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دعایی، حبیب‌الله و دیگران (۱۳۸۴)، مدیریت تحول، مشهد: بیان هدایت نور.
- رابینز، استیفن پی (۱۳۹۳)، تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمان)، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران: انتشارات صفار، چاپ چهارم.
- شادلو، عباس (۱۳۹۲)، اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز، تهران: نشر وزراء، چاپ چهارم.
- شعاعی، فاطمه (۱۳۸۹)، «تحلیل گفتمان انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸)، کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۸، تهران: آزادی اندیشه.
- عبادی، جعفر و چشمی، علی (۱۳۹۲)، «چارچوبی تلفیقی برای تحلیل تشکیل احزاب سیاسی به روش اقتصاد هزینه مبادله»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۱۰۱ - ۱۲۰.
- قدمی، محسن و مرزبان، اسماعیل (۱۳۹۲)، «رابطه فرهنگ با پیچیدگی ساختار سازمانی (مورد کاوی صدای جمهوری اسلامی ایران)»، مجله مدیریت فرهنگی، دوره ۷، شماره ۱۹، صص ۲۶ - ۴۰.

- مرتجی، حجت (۱۳۷۷)، *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*، تهران: نقش نگار.
- مورهد، گرگوری و گریفین، ریکی (۱۳۸۳)، *رفتار سازمانی*، ترجمه مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: نشر مروارید، چاپ هشتم.
- ناصحی‌فر، وحید و دیگران (۱۳۹۲)، «الگوی یکپارچه تغییرات سازمانی: بررسی ابعاد محتوایی، فرایندی و زمینه‌ای در موفقیت تغییرات سازمانی»، *فصلنامه فرایند توسعه*، دوره ۴، شماره ۲۶، صص ۴۹-۷۱.
- نجف پور، مجید (۱۳۸۷)، *تاریخ شفاهی جامعه روحانیت مبارز*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نصر اصفهانی، علی و آقابابور دهکردی، طاهره (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه هویت سازمانی با سکوت سازمانی کارکنان مورد مطالعه دانشگاه اصفهان»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۴۲، شماره ۴، صص ۱۳۹-۱۶۲.
- هال، اچ ریچارد (۱۳۸۳)، *سازمان: ساختار، فرایند و ره‌آوردها*، ترجمه علی پارساییان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- هچ، مری جو (۱۳۸۵)، *تئوری سازمان: مدرن، نمادین و تفسیری پست مدرن*، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران: نشر افکار، دوجلدی.
- هرسیج، حسین و توسلی، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی دیدگاه‌ها و مواضع جناح چپ در دو دهه اول انقلاب اسلامی بر اساس روش تاریخ‌گرایی دیلتای»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۱۰۵-۱۱۸.

- هرسیچ، حسین و حسینی، مطهره (۱۳۸۸)، «شکل‌گیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳، صص ۳۶۱-۳۸۳.

ب- منابع لاتین

- Barnett, W. P., & Carroll, G. R. (1995). "Modeling internal organizational change." *Annual review of sociology*, Vol. 21, No. 1, pp. 217-236.
- Behrooz, M. (1991). "Factionalism in Iran under Khomeini". *Middle Eastern Studies*, Vol. 27, No. 4, pp. 597-614.
- Barzin, Saeid (1995). "Factionalism in Iran". *The World Today*, Vol. 51, No. 10, pp. 202-205.
- Buchta, W. (2000). *Who Rules Iran*. The structure of Power in the Islamic Republic. available at: <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.691.5353&rep=rep1&type=pdf>
- Ehteshami, A. (2008). *The Rise and Impact of Iran's Neocons*. Stanley Foundation.
- Hoadley, J. F. (1986). *Origins of American Political Parties: 1789-1803*. Chapter Title: The Concept of Party, University press of Kentucky. available at: <http://www.jstore.org/stable/j.ctt130hmqp/>
- Farzanegan, M. R., & Schneider, F. (2009). Factionalism, oil and economic growth in Iran: where is the curse?. University of Magdeburg.
- Janda, K. (1990). Toward a performance theory of change in political parties. In 12th World Congress of the International Sociological Association, Madrid .
- Kezar, A. (2001). Understanding and facilitating organizational change in the 21st century. *ASHE-ERIC higher education report*, Vol. 28, No. 4, pp. 147.

- Moslem, M. (2002). *Factional politics in post-Khomeini Iran*. Syracuse University Press.
- Persico, N., Pueblita, J. C., & Silverman, D. (2011). "Factions and political competition". *Journal of Political Economy*, Vol. 119, No. 2, pp. 242-288.
- Raket, Eva Patricia (2009). *Power, Islam, and Political Elite in Iran: A study on the Iranian Political Elite from Khomeini to Ahmadinejad*. (International Comparative Social Studies) Available at: www.amazon.com/power-islamic-political-elite-iran/dp/9004171762.t.
- Saeid, Pedram (2010). *The Role of Parliaments in the Resilience of Non-Democratic Regimes: A Case Study of Iranian Parliament (Majles)*. Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy in the University of Hull.
- Yochum, Catherine (2016). *Strategy vs. Tactics: The Main Difference & How to Track Progress of Both*, available at: <https://www.clearpointstrategy.com/strategy-vs-tactics/>.

ج- منابع الکترونیکی

- باهنر، محمدرضا (۱۳۹۴)، «باهنر: مجلس آینده شبیه مجلس پنجم خواهد بود»، آخرین تاریخ به روز رسانی: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ <https://www.irna.ir/fa/News/81955961:۱۳۹۴/۱۱/۲۰>
- سایت خبرگزاری فارس (۱۳۹۴)، «اصولگرایان برای انتخابات ۹۴ راهی غیر از ائتلاف ندارند»، آخرین تاریخ به روز رسانی: ۱۳۹۴/۲/۱ <https://www.farsnews.com/printable.php?nn=13940216001617>
- سایت گروه نرم‌افزاری پیوست (۱۳۹۶)، «تشکیلات سازمانی چیست؟»، آخرین تاریخ به‌روزرسانی [/https://payvast.com/kb/1663-۱۴۰۰/۱/۱۸](https://payvast.com/kb/1663-۱۴۰۰/۱/۱۸)